گفت‌وگو با علیرضا مشایخی
به‌مناسبت انتشار ۴ آلبوم جدید او:

آهنگساز بسیار خوشبختی بوده‌ام

فرخ صابری

عکس: آیدین رهبر، شرق

«علیرضا مشایخی» از نخستین آهنگسازانی است که به گونه‌ای گسترده، پیام‌آور نوگرایی و مدرنیسم در موسیقی ایران بوده است. مشایخی صاحب چندصد اثر است که در متجاوز از ۲۳۰ «اپوس» جمع‌آوری شده‌اند. او یکی از اولین تئوریسین‌های موسیقی چندفرهنگی است و اثرش «شور» در «دورنمای قرن ۲۱» موسسه فلیپس و «آنتالوژی موسیقی الکترونیک» موسسه «سابروزا» پذیرفته شده است. از مشایخی متجاوز از ۲۵ آلبوم در ایران و خارج از ایران منتشر شده و او مولف مجموعه بزرگی در زمینه آهنگسازی شامل شش کتاب است. او «استاد پیشکسوت برتر» در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران شناخته شده است.

از نظر انتشار آلبوم، شما در یک‌سال اخیر خیلی فعالیت داشته‌اید، تقریبا سال گذشته سه آلبوم سمفونی‌های شماره یک و شماره هشت و «باغ‌های ایران» انتشار یافت و اکنون شاهد انتشار چهار آلبوم جدید از طرف موسسه فرهنگی و هنری ماهور از آثار شما هستیم. درباره این چهار آلبوم جدید بگویید...

چهار آلبوم جدید از چند جهت قابل توضیح است؛ نخست آنکه با انتشار «پروانه کوه‌های زاگرس» و همراه «شوپن» همراه دو آلبوم قبلی که با عنوان‌های «موسیقی برای پیانو» و «شهرزاد» منتشر شده بود مجموعه عظیمی از آثارم برای پیانو با اجرای فراموش نشدنی استاد «فریماه قوام‌صدری» در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. در دو آلبوم ۱۱ قطعه شامل ۳۰ موومان موسیقی عرضه شده است و نمونه‌هایی از سبک‌های گوناگون در دسترس قرار می‌گیرند.

می‌توانید درباره این سبک‌های گوناگون بیشتر توضیح دهید؟

پیش از آنکه به سبک‌شناسی قطعات بپردازم باید درباره دو آلبوم جدید دیگر نیز چند کلمه بگویم. یک آلبوم از ضبط‌های زنده پیانو و ارکستر است که در آن تکنوازی قطعات به نحو استادانه‌ای توسط پیانیست برجسته، پری برکشلی اجرا شده. قطعه «باغ‌های نیشابور را هرگز نخواهیم دید» توسط «ایوو مالک» آهنگساز برجسته کروات مقیم فرانسه رهبری شده است. ضبط «اینترلود» را آقای «منوچهر صهبایی» با ارکستر مجلسی بوداپست به اجرا رسانده و قطعه «جشن» را گروه کوبه‌ای کنسرواتوار «نوور» فرانسه به رهبری خود من اجرا کرده است و سرانجام آلبوم چهارم سمفونی نهم و بر اساس تصمیم خودم آخرین سمفونی من خواهد بود که ارکستر سمفونیک ملی اوکراین به رهبری ولادیمیر سیرنکو اجرا کرده است.

و حالا اشاره‌ای داشته باشید به سبک‌های گوناگونی که در این چهار آلبوم عرضه شده‌اند...

آثار مرا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ آثاری که صریحا با الهام از موسیقی ایرانی نوشته شده‌اند. گروهی که یا تاثیری از موسیقی ایران ندارند یا این تاثیر به قدری پوشیده است که شنونده به سختی متوجه می‌شود و بالاخره آثاری که چندفرهنگی هستند. در آلبوم‌های حاضر قطعات «پروانه کوه‌های زاگرس»، «خاطره»، «اتود پیانو» و بعضی از قسمت‌های قطعه «لحظه‌ها» با صراحت از موسیقی ایرانی الهام گرفته‌اند. آثاری مانند «سونات شماره یک پیانو»، «نگاهی به گذشته شماره دو»، ما «باغ‌های نیشابور را هرگز نخواهیم دید» و «اینترلود» قطعاتی هستند همراه تاثیرهای نامحسوس از موسیقی ایرانی. قسمت بزرگی از چهار آلبوم به قطعات چند فرهنگی تخصیص داده شده؛ مانند «سونات شماره دو پیانو»، قطعه «جشن» و البته سمفونی عظیم شماره ۹ که در یک موومان ۴۰دقیقه‌ای تصنیف شده است. پیش از پایان این قسمت از توضیحات، مایلم چند کلمه از آثاری که از مکالمه من با آهنگسازان موردعلاقه‌ام تشکیل شده یاد کنم. در آلبوم‌های حاضر قطعه «همراه شوپن» و «شوبرت – مشایخی» از این دسته‌اند و از آثاری که در این آلبوم‌ها نیستند می‌توان به قطعه ارکستر به نام «موتزارت من، مالر من» نام برد که در آستانه انتشار است و از قطعه دیگری برای پیانو به نام «همراه دبوسی» نام برد.

آثار مرا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ آثاری که صریحا با الهام از موسیقی ایرانی نوشته شده‌اند گروه دیگری از آثارم کارهایی هستند که یا تاثیری از موسیقی ایران ندارند یا این تاثیر به قدری پوشیده است که شنونده به سختی متوجه می‌شود و دسته سوم آثاری محسوب می‌شود که چندفرهنگی هستند

توجه به فرهنگ‌های گوناگون دهه‌های زیادی از عمر آهنگسازی شما را به خود تخصیص داده است. چه ذهنیتی پشت این نگاه دارید؟

قطعه «شور» که در سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ مرا مشغول کرده بود و احتمالا در ۱۹۷۰ توسط موسسه فلیپس منتشر شد و برای اولین‌بار در موزه شهر آمستردام اجرا شد در حقیقت قدم اول جست‌وجوی من در ارتباط متقابل فرهنگ‌ها و انعکاس آن در موسیقی بود و آخرین اثر بزرگ من در این زمینه «سمفونی دنیای من» یا همان سمفونی شماره ۹ است. طبیعی است که در این بین ارکستر موسیقی نو تشکیل شد که مجال آزمایش‌های زیادی را فراهم آورد تا جایی که در آذر سال ۸۹ بخش پایانی جشنواره «صوت» هامبورگ را بر عهده گرفت. از طرف دیگر تئوری آهنگسازی من با عنوان «تئوری مکمل» تدوین شد و به چاپ رسید و در کنار این دستاوردها ده‌ها قطعه تصنیف شد که امیدوارم به تدریج همه منتشر شوند. تئوری آهنگسازی مکمل، ما را به دنیای جدیدی از چندصدایی می‌برد به‌طوری که پیانیست و موسیقی‌شناس معروف اتریشی در ارتباط با چندصدایی‌های حاصله، صحبت از جهش جدیدی از چندصدایی موسیقی من می‌کند که مستقل از هارمونی اروپایی است.

در مورد اجرای قطعات نظر شما چیست؟

من در باب اجرای آثارم آهنگساز بسیار خوشبختی بوده‌ام. دو آلبوم توسط استاد «فریماه قوام‌صدری» اجرا شده‌اند. وجود ایشان یک الهام موسیقایی است و تفسیری که از قطعات من کرده‌اند از هر انتظاری فراتر می‌رود. خانم برکشلی به نوبه خود نوازنده چیره‌دستی هستند که تحت رهبری دو رهبر توانا و استثنایی «باغ‌های نیشابور را هرگز نخواهیم دید» و «اینترلود» را به اجرا درآورده‌اند. آقای سیرنکو هم که با اجرای قطعات بی‌شماری از من رهبری سمفونی ۹ مرا در سطحی به انجام رسانده‌اند که اجرای بهتری را نمی‌توانم تصور کنم. همان‌طور که ضمن سخنرانی‌ها و نوشته‌هایم اشاره کرده‌ام یک مشخصه مهم موسیقی وجود مجری است که پیام مصنف را به گوش مخاطب می‌رساند.

در بین سمفونی‌های شما فقط سمفونی شماره دو در تهران اجرا شده و آن‌هم حدود ۳۵ سال پیش. چرا آثار ارکستر خود را در ایران اجرا نمی‌کنید؟

این را می‌توانید به آثار غیرارکستری من نیز تعمیم دهید. اگر چند استثنا را کنار بگذاریم اصولا نوازنده‌های ایرانی حتی نسبت به نام آهنگسازان ایرانی نیز حساسیت دارند. شنیده‌ام هنگامی که در یکی از مدارس پاریس، استاد پیانو از شاگرد ایرانی خود خواسته بود اثری از یک آهنگساز ایرانی بنوازد، دانشجوی ایرانی در پاسخ گفته بود در ایران آهنگساز نداریم! اما درباره ارکستر سمفونیک. این ارکستر بیش از یکی، دوبار از من اثری اجرا نکرده و الان هم چند سالی است که نمی‌دانم اصولا این ارکستر وجود دارد یا نه. چرا نپذیریم که موضوع «موسیقی تفکر» در ایران مانند خیلی چیزهای دیگر درک نشده است؟

در سال گذشته کنسرت‌های بسیار موفقی توسط گروه موسیقی تهران داشته‌اید. می‌توانیم امیدوار باشیم در فصل هنری آینده شاهد فعالیت‌های کنسرتی گروه موسیقی تهران باشیم؟

امیدوارم در آبان‌ماه دوباره جشنواره‌ای داشته باشیم و ارکستر موسیقی نو به رهبری سعید علیجانی و ارکستر ریکوردر پارس و گروه کوبه‌ای موسیقی نو به رهبری مهرداد تیموری و گروه مجلسی علیرضا مشایخی به سرپرستی یوسف اشرفی برنامه‌هایی داشته باشند، البته هنوز برنامه‌های دقیق سولیست‌ها را مدیران اجرایی به من اطلاع نداده‌اند.

و آخرین پیام شما؟

با الهام از کاستنر شاعر آلمانی باید بگویم: من هنوز در راه هستم/ من با همه آنان که ترکم کردند و همه آنها که ترکشان کردم... هنوز در راه هستم.

سونات

نگاهی کوتاه به آهنگسازی مشایخی

موسیقی، نوگرایی، فلسفه

حسن ظهوری

موسیقی آتونال، فرا ایکس (متا ایکس)، موسیقی چندفرهنگی، پیوند شرق و غرب و بسیاری عبارت‌های مشابه، گزاره‌هایی است که ما درباره موسیقی علیرضا مشایخی می‌شنویم. اما به راستی موسیقی مشایخی کدام بخش از نیاز موسیقایی جامعه است و آیا می‌توان به آن گوش داد؟ نوگرایی پدیده نوظهوری نیست اما همواره جریانی تازه را می‌پیماید. پدیده نوگرایی در موسیقی جدی از همان اوایل قرن بیستم و با ظهور آهنگسازانی چون دبوسی، شوئنبرگ، راول، آیوز، استراوینسکی و... شکل گرفت، اما بی‌شک نقش آهنگسازان نوظهوری که پس از جنگ‌جهانی دوم، پا به عرصه تجربه‌گرایی در بستر نوگرایی گذاشتند را نمی‌توان نادیده گرفت؛ آهنگسازانی چون جان کیج، لیگتی، بولز، پندرسکی، نونو، استاچ‌هاوزن و... از جمله کسانی بودند که مسیر تازه‌ای به موسیقی جدی دادند و علیرضا مشایخی یکی از این آهنگسازان نوگرایی است که پس از دهه ۵۰میلادی دست به تجربه‌های تازه‌ای در موسیقی مدرن زد. وی نخستین آهنگسازی است که پایه‌های نوگرایی در موسیقی ایران را بنیان نهاده است. جهت‌بخشی به فرم و تغییر ذایقه فکری و شنیداری شنونده، از جمله نکاتی است که در موسیقی علیرضا مشایخی بر آن تاکید می‌شود. آمیختگی فلسفه و هنر، بن‌مایه اصلی آثار مشایخی است. موسیقی مشایخی قرار نیست، تنها نوایی خوش‌آهنگ برای گوش‌کردن باشد؛ موسیقی او پرفورمنسی از خلاقیت به‌کارگیری اصوات و زمینه‌سازی بسترهای هرمنوتیکی است. این پرفورمنس در یک کانسپت خلاقانه، مسیر موسیقایی را می‌پیماید؛ مسیری که شنونده از ابتدای قطعه تا پایان آن می‌تواند ساختار موسیقایی‌اش را به درستی درک کند. صوت، نویز و بسیاری اشکال صدا، بخش مهمی از کارکردگرایی قطعات مشایخی را شکل می‌دهند. تجربه‌های این آهنگساز صاحب سبک، در ایجاد فضاهای موسیقایی آمیخته از ارکستر و نویزهای الکترونیکی به او امکان سفر به ناشناخته‌های موسیقی می‌دهد. کسی که آثار علیرضا مشایخی را می‌شنود قرار است عمیقا بیندیشد و این خواسته آهنگساز است. کانسپت او در به‌کارگیری سازهای سنتی نیز اعجاب‌انگیز است. در ارکستر موسیقی نو، تار، سه‌تار، کمانچه، دف، تنبک، سنتور و بسیاری سازهای دیگر، علاوه بر عملکرد همیشگی‌شان، نقشی تازه می‌آفرینند؛ نقشی که بی‌بدیل و نوگرانه است.

جعبه موسیقی

به بهانه انتشار اثر تازه علیرضا مشایخی «همراه شوپن»

اندیشه و اندام در اثر اقتباسی

نازنین آیگانی

عجب این است که اثر، در قدم نخستینش، من مخاطب را برابر زمان قرار می‌دهد و شاید حضور این ویژگی، در دهلیزهای ژرف‌تری از دریافت، انتظار می‌رود. اینکه زمان ایستاده است و همه چیز ایستاده است و تنها دو مرد از دو تاریخ بسیار دور از هم، به مغازله یا که مجادله مشغولند.

جدال و تغزل، دو خاصه نشسته بر اثر پیش گوش من است که در غنی‌ترین شکل هر اثر اقتباسی، آن را قابل‌تامل می‌کند. اینکه هنرمند در وهله مخاطب‌بودنش، در چالشی درونی، حین کاویدن اثر، میان شیفتگی و آگاهی پرسه زده باشد.

اینکه هر اثر خلاق، در ابتدا زاییده تاثیرپذیری هنرمند از پدیده‌های پیرامونی است، حقیقتی غیرقابل انکار است و این همان محرک(...) خلق هنری است. این محرک می‌تواند اثر دیگری باشد که در زمانی دیگر و در مقابله با محرکی دیگر خلق شده است. اینجاست که اقتباس معنایی قابل ارزش پیدا می‌کند. خلق تازه‌ای با ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد و غنای توامان آزادی و آگاهی.

هنر اقتباسی غنی در بطن خود، نقد دارد، چرا که زاییده ادراک مولف از اثر اصلی است. که در فرآیند خلق، این نقد، در قالبی تازه به نمایش گذاشته می‌شود که مخاطب را به سمت دریافت تازه‌ای سوق می‌دهد که تنها تداعی دوری از اثر اصلی است. پس در اینجا خلق دوم، زاده نقد اول است و نقد اول، زاده خلق دوم. و این حرکت دایره‌واری است که تمام اعتبارش در این است که بر یک مدار مدام نمی‌گردد و هربار در اکتشافات مولف و مخاطب، دایره تازه‌ای حول آن رسم می‌شود. اتفاقی که اثر را به‌مثابه فاعل دارای خصیصه و متاثر از محیط، صاحب حال، زنده و فانی معرفی می‌کند. موجودی که در عین استقلال، چون هر موجودیت دیگری، ماندگاری‌اش به همه چیز بستگی دارد. اینکه در این چرخه اندیشه، چگونه بگردد و کجا بگردد و از همه مهم‌تر اینکه، که بگرداندش!!

آن چیز دیگر که به اثر، چهره می‌دهد، حال است. «حال» در هر دو بعدش که یکی ریشه در زمان دارد و دیگری ریشه در ذهن.

حال در بعد ذهن، احوال هنرمند است. درون هنرمند، عنصر اقتباس ناپذیری است. آنچه اثر را شخصی می‌کند، آنچه به مونالیزای «داوینچی» و مونالیزای «دالی» دو هویت منفک می‌دهد، آن لبخند مشهور نیست، روحی است که در هر یک به هیئت الهام، در جریان است. یا امپرسیون هنرمندانه‌ای که در خالص‌ترین شکلش، در فلسفه «برگسون» و نثر «پروست» متجلی می‌شود. و اینجاست که اثر اقتباسی، تنها یک تداعی آزاد و مستقل از اثر اصلی است و آنچنان در مسیر سیال ذهن به عمق می‌رود که تداعی، شکلی از مکاشفه می‌گیرد. و گاهی در ناب‌ترین شکل تبلور این امپرسیون، (آنچه که در فلسفه پدیدارشناسی «هوسرل» و بعدها «هایدگر» هم می‌یابیم)، ابژه (همان اثر هنری) ماهیت و هستندگی‌اش را مرهون مدرک یا روح درک‌کننده می‌شود. قطعا امپرسیون، به دلیل همین ویژگی یگانه‌بودنش، می‌تواند الهام‌بخش خلق اثر اقتباسی باشد. اما خود، عنصری کاملا شخصی است و در نهایت می‌تواند شراکتی با ویژگی‌هایی موازی باشد. ولی هرگز مشابه نخواهد بود. همان‌طور که روح امپرسیون نقاشی‌های کلود مونه را در داستان‌های کوتاه «فاکنر» و اشعار تغزلی «سیلویا پلات» می‌بینیم. همین عنصر، محک مناسبی است برای یافتن فاصله باریک میان اثر ناب اقتباسی و سرقت هنری!

و «حال» در بعد دیگرش، زمان!

آنچه به یک اثر قابلیت اقتباس می‌دهد، بی‌زمانی است. تاثیرگذاری‌ای که به لحظه بستگی نداشته باشد، ابژه‌ای است که چون مایعی نرم در تنوع اندام‌های گوناگون زمان می‌نشیند و هربار از نو زاده می‌شود. تنها این شکل از خلق می‌تواند در چرخه طبیعت هنر باقی بماند و تبدیل شود. اثری که مکان و زمان مصرف مشخصی ندارد و پیوسته در تغییر، بی‌توجه به اقلیم و تاریخ در گردش و قابل بازیافت است. ممکن است این بی‌زمانی و بی‌مکانی در چهره اثر نمودی پیدا نکند و حتی به عکس، از خود ظاهری فریبنده به رخ بکشد. این ویژگی در «صورت پنهان» اثر متجلی می‌شود. آنجا که اثر، قابلیت تاثیرگذاری بی‌زمان و مکان را در الهامات مخاطبی نمایان می‌کند که در مجاورت با اثر، به مولف بدل می‌شود و این جادوی خلق بی‌تاریخ است.

اثر ناب، همیشه مایه الهام است و همین بی‌زمانش می‌کند. الهام بر مولف اقتباسی، واقع می‌شود. چنانکه ما او را به گونه «مفعول اثر» یا نهایتا «مخاطب فاعل» می‌یابیم. او از جایی مولف می‌شود، که زمان را بر الهام اثر بی‌زمان، واقع می‌کند. یعنی اثر را از دهلیزهای تاریخ خود با تمام ویژگی‌های شخصی‌اش عبور می‌دهد و بر وقت خود می‌نشاند. این عمل به اثر اولیه و اثر دوم، کرداری مستقل و هماهنگ با زبان عصر خود می‌بخشد و همین زبان است که به اثر اقتباسی امکان مناظره‌های تازه، با مخاطبان تازه را اعطا خواهد کرد. مناظره‌هایی که شاید منجر به خلق آثار اقتباسی دیگری، با زمان‌های حال دیگری شوند.

و این روند سالم می‌تواند تا جایی به رستن ادامه دهد که ما طی سال‌ها تفحص، نیاکان یک شاهکار هنری را جایی بیابیم که بسیار دورتر از تصور ماست. هرچه ریشه این تبدیل در زمان، غیرقابل پیش‌بینی‌تر باشد، اثر اقتباسی ناب‌تر و ماناتر خواهد بود. چیزی که اثر اقتباسی را از یک انس سطحی، به تالیفی مجزا، مستقل، صاحب کلام و قابل نقد بدل می‌کند، نقش اثر است در زمان و نقش زمان است در اثر.

«همراه شوپن» تلاشی برای تکثیر «شوپن» یا تولید مخاطب تازه برای او ندارد. اثر در تقابلی آگاهانه و باورپذیر به گفت‌وگو می‌نشیند، هرکس با زبان ویژه خود، سخن خود را می‌گوید و هنرمند، عادلانه مخاطبش را به شنیدن هر دو پرده دعوت می‌کند. پرده «شوپن» و پرده «علیرضا مشایخی». او با به‌رخ‌کشیدن قرابت‌ها و تضادها، سعی در ساختن جهان تازه‌ای دارد و با هوشمندی مخصوصش، دایم به مخاطب، یادآوری می‌کند که مفاهیم، تغییرپذیرند.

در بخش دیالوگ‌های «شوپن»، اکتشاف، نقش خلق را بازی می‌کند. کشفی که نهایتا در کمپوزسیون، به خلق دوباره، با زبان و اندیشه تازه منتهی می‌شود.

اثر، اندام و اندیشه خود را دارد. اقتباسی است که شاید در غنی‌ترین شکل از این دست، کنار اثر اولیه قدم برمی‌دارد. با احترامی آگاهانه از او پیشی نمی‌گیرد. گاه دست به دستش می‌دهد و گاه دستش را در جیب فرو می‌برد و تنها راه می‌رود. «همراه شوپن»، نیازی برای امتداد کاذب شوپن نمی‌بیند، ادای دین نمی‌کند، تلاشی در ماندگار یا مبتذل‌کردن او ندارد. آنچه مشهود است این است که او معاصر ماست، نه شوپن. و این در زبان گفت‌وگویش پیداست. نه مفسر است نه مترجم. او با تکرار موتیف‌های شوپن، کدگذاری نکرده است، بازی‌های او در فرم، نوعی تلمیح هم نیست. به گمان او مخاطب، ناظر بر گفت‌وگوست، پس توقع او را اجابت می‌کند و همه اضلاع مکالمه را برایش مهیا می‌سازد. و این بعد تازه‌ای است از اقتباس، که مولف را در سایه نمی‌نشاند.

«همراه شوپن»، اثری گشاده است. مخاطب را به گفت‌وگو دعوت می‌کند که حتی اگر بخواهد که سکوتی بگوید و بنشیند، خود را دور میز عصرانه با «شوپن» و «مشایخی» تصور کرده است.

جدول ۱۷۳۵

افقی:
۱ - قبیله یمن - پایان کار ۲ - از اجزای تقسیم - از ادعیه معروف - پادشاهان ۳ - خم، دولا - فرصت - نوعی پارچه راه راه پشمی ۴ - تو سری خور چکش - سلاح جدید و مخرب - حسد - نیم صدای الاغ ۵ - چشمه زندگانی - آلوده ۶ - کتاب داستان - ناتوان - نت آخر ۷ - مادر عرب - غار بزرگی در اسپانیا - آبگیر ۸ - ناپاک بودن - نجات یافتن ۹ - ساخته شده از فلز گلوله - اثر استفن تسواک اتریشی - خبر افشاگرانه ۱۰ - پنج ترکی - گل زیبا - بزرگوار ۱۱ - عروس می‌گیرد - سرپرستی ۱۲ - نیم‌صدای گوسفند - از الفبای فارسی - میوه‌ای از نوع خربزه - گوشت ۱۳ - پافشاری کردن - بزرگان - خورش پرروغن ۱۴ - خط لاتین - از کشورهای آفریقایی - گزارش باطنی از قرآن ۱۵ - انجام‌دادن - وسیله بازی بچه‌ها در پارک

عمودی:
۱ - مونس - بخت و اقبال - پر و لبریز ۲ - ضد ضعفا - باتجربه - درمان ۳ - جویای خبر - اندام تنفسی جانوران دریایی - شرم ۴ - صدا - سروده غرورآفرین - شهر ترکیه ۵ - گریزجیوان - استان - حلال شرعی ۶ - وقار و سنگینی - نوعی شنا - میوه ۷ - افترا - ناپاکی - آنکه از نسل علی و فاطمه است ۸ - بهتر و شایسته‌تر - برادر پدر - باد سرد - عضوی بین سر و تن ۹ - خسیس بودن - ناصحیح - سکون و آرامش ۱۰ - فرمان اتومبیل - لقبی در هندوستان - محل سکونت ۱۱ - طباخ - وسیله کمک حرکتی اطفال - ضد خشک ۱۲ - کفش روستایی - ستوران - واحد سرعت هواپیما ۱۳ - بیسواد - طاق ویران‌شده عهد ساسانی - اهل فلسفه ۱۴ - محل بازگشت - متحدالقول - به اجبار ۱۵ - دالان - تاکنون - صاحب

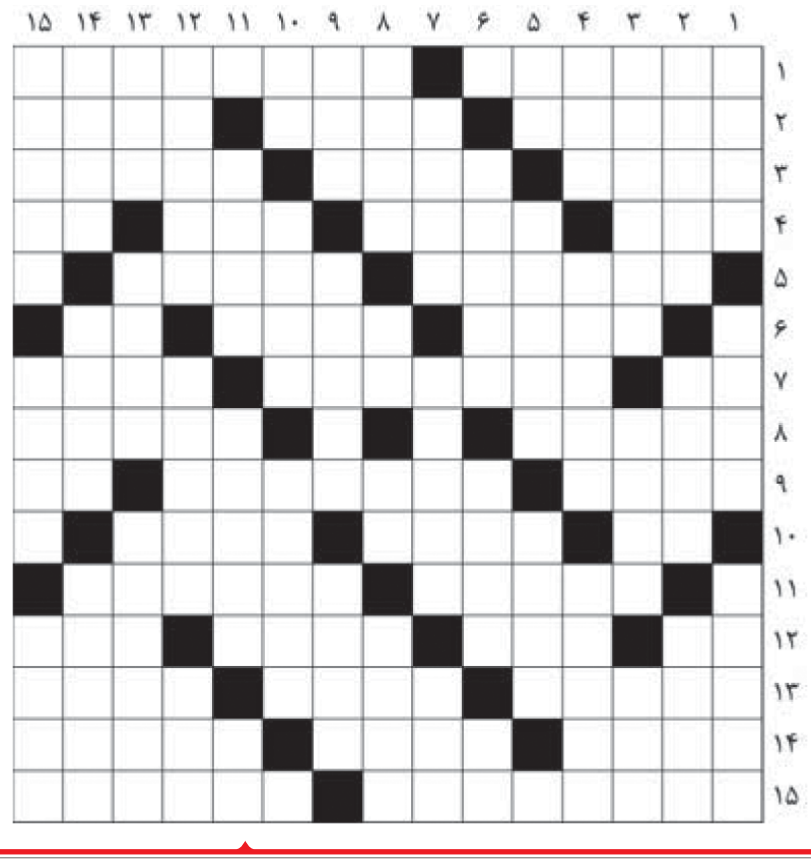

جدول ۱۷۳۴

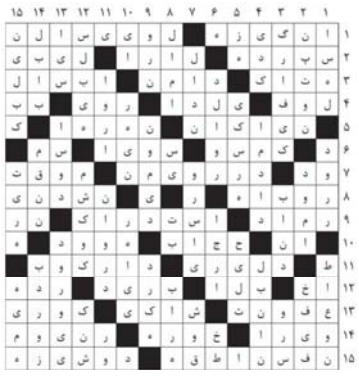

سودوکو سخت ۳۸۷

		۷			۵		۸	
۵	۴			۲	۱			
۹		۱				۶		
	۷			۴	۸			
۱		۹	۷					۳
		۲		۳				۶
	۲	۳	۹		۶			
						۵	۲	۹
				۱	۴			۸

حل سودوکو سخت

۷	۶	۵	۴	۱	۳	۲	۹	۸
۸	۹	۳	۲	۶	۵	۴	۱	۷
۴	۱	۲	۸	۹	۷	۳	۶	۵
۳	۵	۶	۱	۷	۹	۸	۴	۲
۹	۸	۷	۳	۴	۲	۱	۵	۶
۱	۲	۴	۶	۵	۸	۹	۷	۳
۶	۳	۱	۵	۸	۴	۷	۲	۹
۵	۴	۸	۹	۲	۷	۶	۳	۱
۲	۷	۹	۱	۳	۶	۵	۸	۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۳۸

۳	۵		۲		۶	۷		
	۸		۳	۴	۷	۶		
		۴		۹			۲	۱
۶	۹	۳		۵	۲		۸	
	۱				۸	۹	۷	
	۷			۳	۹			
	۳		۵	۸	۱	۴		
		۶	۹	۲	۳	۸		
	۲				۴	۵		۹

حل سودوکو ۷۳۷

۲	۳	۷	۶	۸	۵	۱	۴	۹
۹	۵	۱	۴	۲	۷	۳	۸	۶
۸	۶	۴	۱	۹	۳	۵	۲	۷
۵	۲	۶	۹	۱	۸	۴	۷	۳
۱	۷	۳	۵	۴	۲	۹	۶	۸
۴	۸	۹	۷	۳	۶	۲	۵	۱
۷	۱	۵	۳	۶	۴	۸	۹	۲
۶	۹	۲	۸	۵	۱	۷	۳	۴
۳	۴	۸	۲	۷	۹	۶	۱	۵